

خط منسوب بشیخ سعدی

وزارت امور خارجه ایران در تاریخ هفتم فروردین ماه ۱۳۲۴ مراسله ای بوزارت فرهنگ نوشته که قسمت اول آن عیناً در اینجا نقل میشود :

«سفارت کبرای ترکیه در طهران بر حسب تقاضای وزارت فرهنگ آن دولت عکس سه صفحه از کتاب خطی موسوم بمصباح الهدایة و مفتاح الکفایة محمود بن علی الکاغانی [را] که در ترکیه موجود است [فرستاده] مینویسد در یادداشتی که در یکی از صفحه ها شده چنین معلوم میشود که یک قسمت از این کتاب بخط شیخ سعدی شیرازی نوشته شده است و تقاضا کرده این صفحه ها با صفحات کتابهاییکه از طرف خود شیخ سعدی نوشته و در کتابخانه های ایران موجود است مطابقت نماید تا از صحت موضوع اطمینان حاصل شود...»

وزارت فرهنگ عین این مراسله و آن سه صفحه عکس را خدمت حضرت استادی آقای قزوینی برای جلب نظر ایشان فرستاده و معظم له نیز آنها را برای تفتیش و تفحصی در این موضوع بنگارنده بامانت سپردند.

بدبختانه نه سفارت کبرای ترکیه نه وزارت امور خارجه هیچگونه اطلاعاتی بمانده اند که این نسخه «مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة» در چه تاریخی تحریر شده و آیا تاریخ تحریر و نام کاتب آن در آخر نسخه هست یا نیست، تمام معلومات ما در این باب که گویا همان نیز منحصرأ جمعی را بانتساب خط این نسخه بسعدی شاعر معروف و داشته عبارتی است که یکی از خوانندگان نسخه آنرا بترکی بر بالای یک صفحه از آن نوشته و آن چنانکه از مشاهده تصویر این صفحه واضح میشود این است: «شیخ سعدی خطیله در بو مجلدك»

شیخ سعدی عظیم بود و جو محله هر که
 و طاعت در انور و نبوی دستا بدست عدو را بود این چنان
 بود که باغ اعدای العاقول من در این دنیا انصاف و الذوق
 بود و اما این بلای من و التعمیر و الله المومنین و وصل
 نمود و انصاف ما دست از وضع نفس با حق در گذار
 شد و باطن در انصاف و وضع نفس با حق در مقام
 عدل و انصاف بود و اما چون در اصول تحقیق صفای با انصاف
 در حصول دلالت و قیاس آثار و اما در نفس واقع نشد از
 قول بقیات صفای در دل با انصاف مشتق خود در شیت
 تراغ مشیطان و قول و عقاید در روح با نفا و جود خود
 در جود مطلق واقع منتهیان و است وضع نفس و مقارن
 اصناف باطل با اصول من بود یا بر عایت مختلف باطل واقع
 و طبع و بر او از اصول من است که در مناظرات و محاورات
 هر کجا که انظر سعدی مناصب کند با الطریق معانی
 سردی که روح انصاف و تسلیم سر آن در هر چند در حال
 مناظر باطن و وضع باطن لطیف و مستقیم بود و انصاف
 و انصاف هر کس منظر از انصاف انصاف منم المومنین و انصاف
 طاعت انصاف و وضع انصاف در حدیث صحیح که انصاف

يك صفحه از كتاب مصباح الهدايه

که کسی آنرا خط سعدی دانسته

اگر چه بظاهر مقصود کسی که این عبارت را نوشته از شیخ سعدی همان سعدی شیرازی شاعر بسیار مشهور است اما به مجرد همین يك عبارت که با هیچ دلیل و سند همراه نیست اولاً نمیتوان یقین قطعی حاصل کرد که غرض نویسنده همان شیخ سعدی مشهور خاص و عام است ثانیاً ادعا و شهادت يك تن مجهول الهویه بهیچوجه در این باب نمیتواند معتبر و مسلم شمرده شود بخصوص که تا کنون در هیچ جا نشانه ای از خط دست سعدی ندیده ایم و تا آنجا که اطلاع داریم هیچکس هم نمونه ای از آن سراغ ندارد تا با مقایسه صفحات این نسخه با آن نمونه بتوانیم در این باب رأی و نظری اظهار کنیم.

اما خود نسخه یعنی « مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه » بهمین عنوان ذکر آن در کشف الظنون حاجی خلیفه آمده و عین عبارت او در این باب این است : « مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه فی علم السلوک لکمال الدین محمود بن علی الکاشی » روزی که در محضر استادی آقای قزوینی با حضور آقای بدیع الزمان فروزانفر خراسانی مشغول ملاحظه سه صفحه تصویری بودیم که سفارت کبریای ترکیه از این نسخه فرستاده آقای فروزانفر از مطالعه عبارات نسخه بحق چنین حدس زدند که آن ترجمه فارسی کتاب عوارف المعارف شیخ شهاب الدین ابوحفص عمر بن محمد سهروردی (۵۳۹ - ۶۳۲) است و همین اشاره ذقیمت کلید کار ما شد و پس از مراجعه به کشف الظنون تحت عنوان عوارف المعارف دیدیم که حاجی خلیفه از جمله ترجمه های این کتاب یکی نیز « مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه » را می شمارد باین عبارات ۲ : « و ترجمه العارفی بالترکی و ظهور الدین عبدالرحمن بن علی الشیرازی بالفارسی و الشیخ عز الدین محمود بن علی الکاشی النطنزی ایضاً بالفارسی سماه مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه او له حمدی که لغات صدق و نفعات اخلاص الخ المتوفی سنة ۷۳۵ »

چون عز الدین محمود کاشی نطنزی از مشاهیر عرفای ایران است و همه کسانی

که ترجمه احوال او را بدست داده نوشته اند که او عوارف المعارف سهروردی را بفارسی ترجمه نموده دیگر شبهه‌ای بجا نمی‌ماند که حاجی خلیفه در آن موردی که از مصباح الهدایه بعنوانی مستقل صحبت داشته و لقب مترجم را «کمال‌الدین» نوشته دچار اشتباه شده و صحیح در لقب او همان «عزالدین» است که مؤلف کشف الظنون خود آنرا در عنوان «عوارف المعارف» یاد آور شده، بنابراین جای هیچ شک و تردیدی نیست که این نسخه مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، محفوظ در ترکیه (معلوم نشد در کجا و در چه کتابخانه‌ای) که خط تمام یا قسمتی از آنرا از شیخ سعدی شیرازی دانسته‌اند ترجمه و تألیف عارف بسیار مشهور عزالدین محمود بن علی کاشانی نطنزی است که کتاب عوارف المعارف را (چنانکه جامی در نفعات از گفته خود او نقل می‌کند) بدو واسطه از شهاب‌الدین سهروردی مؤلف آن نقل مینموده. عزالدین محمود نطنزی که با کمال‌الدین عبدالرزاق کاشی عارف معروف دیگر (متوفی سال ۷۳۵) معاصر بوده مثل این معاصر خود مرید شیخ نورالدین عبدالصمد بن علی اصفهانی نطنزی (متوفی سال ۶۶۹) بوده و کتاب عوارف را از او و از شیخ دیگرش ظهیرالدین عبدالرحمن بن شیخ نجیب‌الدین علی بن بزغش (متوفی رمضان ۷۱۶) روایت می‌کرده بنا بر این مقتضی چنین است که دوره شهرت و دست بکار شدن عزالدین محمود کاشانی بتألیف بعد از ایام دو شیخ او یعنی نورالدین عبدالصمد و شیخ ظهیرالدین عبدالرحمن شیرازی شروع شده باشد.

تاریخ فوت او را حاجی خلیفه چنانکه نقل کردیم در ذیل عنوان عوارف المعارف همچنین در ذیل تالیف ابن فارض ۱، بتمام حروف ۷۳۵ (یعنی همان سال فوت معاصر و رفیق او کمال‌الدین عبدالرزاق کاشی) نوشته و صاحب شاهد صادق ۲ نیز در تاریخ

۱ - کشف الظنون چاپ جدید ستون ۲۶۶

۲ - تألیف محمد صادق بن محمد صالح آزادانی اصفهانی که در ۱۰۱۸ در سوخت هندوستان تولد یافته و او که مردی فاضل و شاعر بوده مؤلف چند کتابست مثل صبح صادق و شاهد صادق که دائره المعارف ماندنی است مثل نقایس الفنون و قسمتی از آن در ذکر وقایع تاریخی است بترتیب سال از ابتدای هجرت تا سال ۱۰۴۰، شاهد صادق در حدود سال ۱۰۵۶ تألیف شده.

فوت او همین سال را آورده اما با این حال عجب این است که صاحب تاریخ گزیده (و ظاهراً بتبع او مؤلف حبیب السیر) که این کتاب خود را در ۷۳۰ تألیف کرده در ذکر عزالدین نطنزی چنین نگاشته است : « شیخ عزالدین نطنزی شارح قصیده ابن فارض در تصوف ، در عهد ابقاخان در گذشت » .

چون عهد ابقا خان به ۶۶۳ شروع و به ۶۸۰ ختم میشود بسیار بعید مینماید که عزالدین محمود کاشی که شاگرد نورالدین عبدالصمد (متوفی ۶۹۹) و ظهیرالدین عبدالرحمن شیرازی (متوفی ۷۱۶) بوده در عهد ابقا مرده باشد.

ظاهراً مؤلف تاریخ گزیده مانند غالب معاصرینی که راجع بوقایع و مشاهیر رمان خود سندی کتبی در دست نداشته و بحافظه و مسموعات قناعت مینموده اند دچار غلط و اشتباه شده و عزالدین محمود کاشی نطنزی را که در عصر تألیف تاریخ گزیده هنوز حیات داشته بعلمت بعد عهد و مکان از مدتها پیش مرده میسرده است و در اینکه غرض او از عزالدین نطنزی همین عارف معروف موضوع بحث ماست نه کسی دیگر شکئی نیست چه حمدالله مستوفی صریحاً او را شارح قصیده ابن فارض مینویسد و شرح این قصیده را همه به عزالدین محمود نطنزی کاشانی نسبت داده اند از آنجمله جامی که آنرا در دست داشته در نفحات الانس ۱ در شرح حال او قسمتی از مقدمه آنرا بدست میدهد و این شرح که نام آن کشف الوجوه الغرلمعانی نظم الدر است در سال ۱۳۱۹ هجری قمری بضمیمه شرح فصوص الحکم فارابی در طهران بطبع رسیده جز اینکه ناشر با اشتباه آنرا به معاصر و همشهری عزالدین محمود یعنی بکمال الدین عبدالرزاق کاشانی مؤلف مشهور اصطلاحات الصوفیه و شرح منازل السائرین نسبت داده است و این اشتباه برای حاجی خلیفه و بعضی دیگر نیز حاصل شده حتی حاجی خلیفه که خود سطر اول این شرح را بنام عزالدین نطنزی نقل کرده در چند سطر بعد عین همان سطر را ابتدای شرح عبدالرزاق کاشی دانسته و عنوان : « کشف الوجوه الغرلمعانی نظم الدر » را یک بار بتردید نام شرح داود بن محمود قیصری

از همین قصیده شمرده و بار دیگر نام شرح حکمال الدین عبدالرزاق کاشی در صورتیکه تمام این جمله اشتباه است چه بشهادت و مطابق نقل جامی در نفعات الأُنس شرح تائیه ای که بسال ۱۳۱۹ قمری در طهران بطبع رسیده از همین عزالدین محمود بن هلی نطنزی است و در اینکه نام آن نیز «کشف الوجوه الغرلمعانی نظم الدر» است نیز شبهه ای نیست چه او خود در مقدمه همین چاپ طهران صریحاً میگوید که: «و سمیته کشف الوجوه الغرلمعانی نظم الدر» و بعد از این عبارت بلافاصله عبارتی می آید که آنها را جامی در نفعات الأُنس از مقدمه شرح تائیه عزالدین نطنزی کاشانی نقل میکند.

حاصل این بیانات آن که در صورتیکه عزالدین محمود کاشانی مؤلف این نسخه مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة در حدود ۷۰۰ هجری میزیسته و بظن غالب این کتاب خود را در همان حوالی یا بعد از آن تألیف کرده بوده است بسیار مستبعد مینماید که شیخ سعدی که در ۶۹۱ یا ۶۹۴ فوت نموده نسخه ای از آنرا بخط خود بنویسد حتی اگر فرض کنیم که تألیف مصباح الهدایة در حدود ۶۹۰ یا چند سال قبل از آن هم صورت گرفته باشد باز بسیار بعید است که سعدی در سنین پیری و مقارن ایام رحیل نسخه ای از این کتاب را آن هم بخطی چنین محکم و پخته که بکار استنساخ کنندگان جوان بیشتر مینماید تا بکار پیری لرزنده دست نوشته باشد مگر آنکه بگوئیم که سعدی که شیخ شهاب الدین سهروردی مؤلف اصلی عوارف المعارف را در جوانی بمشردی پذیرفته بوده چون بر ترجمه ای از کتاب او اطلاع یافته آنرا جهت خود برای تیمن و تبرک استنساخ کرده ولی این ادعا با دلیل و سند میخواند و بصرف نوشته یک نفر بعیدالعهد نسبت بسعدی نمیتوان آنرا مسلم شمرد بهر حال بقراین و دلایلی که ذکر کردیم ظن قریب یقین ما اینست که این نسخه بخط شیخ سعدی شیرازی نیست.